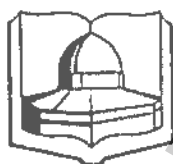


# تاریخ افکار سیاسی در غرب

مرتضی اشرفی



انتشارات قدس

---

**تاریخ افکار سیاسی در غرب**

مؤلف / مرتضی اشرفی

قطع / رقعی / ۱۸۴ صفحه

نوبت چاپ / اول / ۱۳۸۵

طرح جلد / مهندس مجتبی اشرفی

لیتوگرافی / سجاد

چاپ / یاسین

حروفچین / شهناز هادی زاده

صفحه‌آرایی / کامپیوتر یاس

شمارگان / دو هزار نسخه

ناشر / انتشارات قدس

قم/خیابان شهداء/کوچه ممتاز/ تلفکس: ۰۲۵۱-۷۷۴۴۰۵۳

\*\*\*

کلیه حقوق محفوظ می‌باشد

شابک ۸-۰۱-۲۵۴۹-۹۶۴

قیمت / ۱۵۰۰ تومان

## فهرست مطالب

| عنوان                              | صفحه |
|------------------------------------|------|
| پیشگفتار .....                     | ۱۶   |
| پیدایش اندیشه سیاسی در یونان ..... | ۲۱   |
| اندیشه سیاسی ما قبل سقراط .....    | ۲۷   |
| سولون .....                        | ۲۹   |
| هومر .....                         | ۳۰   |
| ترتیه .....                        | ۳۰   |
| پریکلس .....                       | ۳۱   |
| تیروژن و پندار .....               | ۳۱   |
| هرودت .....                        | ۳۱   |
| توسیدید .....                      | ۳۲   |
| جریان فکری پیش سقراطیان .....      | ۳۳   |
| مکتب ملطی .....                    | ۳۴   |
| طالس .....                         | ۳۵   |
| انکسیمندر .....                    | ۳۵   |
| انکسیمنس .....                     | ۳۶   |
| مکتب متافیزیکی .....               | ۳۶   |
| فیثاغورت (پساگوراس) .....          | ۳۷   |
| مکتب تغییرات پایی .....            | ۳۸   |
| هراکلیت .....                      | ۳۸   |
| مکتب الثانی .....                  | ۴۰   |

|    |                        |
|----|------------------------|
| ۴۰ | پارمنیدس               |
| ۴۱ | مکتب اتمیست            |
| ۴۱ | دموکریتوس              |
| ۴۳ | سوفسطائیان             |
| ۴۵ | گروه نخست (متمدن)      |
| ۴۵ | پرو تاگوراس            |
| ۴۶ | گورجیاس                |
| ۴۷ | پرو دیکاس              |
| ۴۷ | گروه متأخر (افراطی)    |
| ۴۷ | تراجیماک               |
| ۴۸ | آنتیفون                |
| ۴۹ | کالیکلس                |
| ۵۰ | سقراط ( ۴۶۹-۳۹۹ ق.م )  |
| ۵۱ | تکنیک سقراط            |
| ۵۴ | افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م.) |
| ۶۰ | ارسطو                  |
| ۶۲ | فلسفه سیاسی ارسطو :    |
| ۶۲ | جامعه سیاسی:           |
| ۶۳ | دولت:                  |
| ۶۴ | عدالت:                 |
| ۶۵ | قانون:                 |
| ۶۶ | شکل های گوناگون دولت:  |
| ۶۹ | عصر هلنی               |

|     |                                     |
|-----|-------------------------------------|
| ۷۲  | مکتب اپیکور (لذت طلبی و لذت گرایی)  |
| ۷۳  | مکتب سیر نایسیسم (کورنایی)          |
| ۷۴  | مکتب کلبی (۴۱۲-۳۲۳ ق. م.)           |
| ۷۵  | مکتب شکاکین (۲۷۵-۳۶۵ ق. م.)         |
| ۷۷  | مکتب رواقیان (۲۴۶-۳۳۶ ق. م.)        |
| ۷۹  | اندیشه سیاسی در دوران امپراطوری روم |
| ۸۲  | پولیپوس                             |
| ۸۳  | فلسفه تاریخ                         |
| ۸۵  | مارکوس ترلیوس سیسرون (۱۰۶-۴۳ ق. م.) |
| ۸۵  | قانون طبیعی                         |
| ۸۷  | امر عمومی یا جمهوری                 |
| ۸۸  | نظام مختلط                          |
| ۸۸  | لوکرتوس (۵۵-۹۹ پیش از میلاد)        |
| ۸۹  | سکا (۴ ق. م - ۶۵ ب. م.)             |
| ۹۱  | سنت آمبروز (۳۹۷-۳۴۰ م.)             |
| ۹۲  | آگوستین (۳۵۴-۴۳۰ م.)                |
| ۹۵  | جان سالیسبری                        |
| ۹۶  | توماس آکوئیناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م.)       |
| ۹۷  | سن توماس                            |
| ۹۸  | دانته آلیگری (۱۳۲۱-۱۲۶۵)            |
| ۹۹  | پیر دو بوا (۱۳۲۱-۱۲۵۵)              |
| ۱۰۰ | ژان پاریس                           |
| ۱۰۰ | مارسلیو پادوا (۱۳۴۲-۱۲۷۰)           |

- ۱۰۱ ..... ویلیام او کام (۱۲۸۰-۱۳۴۹)
- ۱۰۲ ..... جان ویکلیف (۱۳۲۰-۱۳۸۴)
- ۱۰۲ ..... ماکیاوولی (۱۴۷۹-۱۵۲۷)
- ۱۰۴ ..... نظریه دولت
- ۱۰۵ ..... توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵)
- ۱۰۸ ..... اندیشه سیاسی متفکران جنبش اصلاح دینی
- ۱۰۹ ..... مارتین لوتر
- ۱۱۱ ..... ژان کالوین
- ۱۱۲ ..... فرانسیسکو سوارز
- ۱۱۳ ..... ژان بدن (۱۵۳۰-۱۵۹۶)
- ۱۱۵ ..... ژاک بنینی بوسونه (۱۶۲۷-۱۷۰۴)
- ۱۱۶ ..... هوگو گروسیوس (۱۵۸۳-۱۶۴۵)
- ۱۱۷ ..... توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹)
- ۱۱۹ ..... وضع طبیعی
- ۱۲۰ ..... قرارداد اجتماعی
- ۱۲۱ ..... جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)
- ۱۲۲ ..... وضع طبیعی
- ۱۲۴ ..... منتیسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵)
- ۱۲۹ ..... عصر روشنگری
- ۱۳۲ ..... ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸)
- ۱۳۳ ..... دیدرو
- ۱۳۴ ..... ژان زاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۸۸)
- ۱۳۷ ..... هیوم (۱۷۱۶-۱۷۷۶)

|     |                                      |
|-----|--------------------------------------|
| ۱۳۷ | ادموند برک ( ۱۷۹۷-۱۷۲۹ ) .....       |
| ۱۳۹ | آلکسی دو توکویل ( ۱۸۵۹-۱۸۰۵ ) .....  |
| ۱۴۱ | جرمی بنتهام ( ۱۷۴۸-۱۸۳۲ ) .....      |
| ۱۴۲ | ایمانوئل کانت ( ۱۷۲۴-۱۸۰۴ ) .....    |
| ۱۴۳ | فیخته ( ۱۸۱۴-۱۷۶۲ ) .....            |
| ۱۴۴ | فرید ریش هگل ( ۱۸۳۱-۱۷۷۰ ) .....     |
| ۱۴۶ | دولت .....                           |
| ۱۴۷ | آزادی .....                          |
| ۱۴۸ | تفکیک قوا .....                      |
| ۱۴۹ | آگوست کنت ( ۱۸۷۵-۱۷۹۸ ) .....        |
| ۱۵۰ | کارل مارکس ( ۱۸۸۳-۱۸۱۸ ) .....       |
| ۱۵۲ | گرایش های مارکسیستی .....            |
| ۱۵۲ | الف) گرایش انقلابی (لنین) .....      |
| ۱۵۴ | گرایش تجدید نظر طلب (برنشتاین) ..... |
| ۱۵۶ | مارکسیسم انتقادی .....               |
| ۱۵۶ | نسل اول مکتب فرانکفورت .....         |
| ۱۵۷ | مارکوزه .....                        |
| ۱۵۸ | نسل دوم مکتب انتقادی .....           |
| ۱۵۸ | یورگن هابرماس .....                  |
| ۱۶۰ | لیبرالیسم .....                      |
| ۱۶۰ | لیبرالیسم اقتصادی .....              |
| ۱۶۱ | لیبرالیسم فلسفی .....                |
| ۱۶۲ | مراحل تاریخی لیبرالیسم .....         |

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۱۶۲ | مرحله اول لیبرالیسم کلاسیک.....             |
| ۱۶۲ | مرحله دوم لیبرالیسم سازمان یافته.....       |
| ۱۶۳ | مرحله سوم لیبرالیسم جدید، نئولیبرالیسم..... |
| ۱۶۳ | کارل ریموند پوپر (۱۹۰۲-۱۹۹۴).....           |
| ۱۶۵ | آیزیا برلین (۱۹۰۹-۱۹۹۷).....                |
| ۱۶۷ | هانا آرنت (۱۹۰۶-۱۹۷۵).....                  |
| ۱۶۸ | هارولد لاسول (۱۹۰۲-۱۹۷۸).....               |
| ۱۶۹ | ژورف شومپتر (۱۸۸۳-۱۹۵۰).....                |
| ۱۷۰ | فریدریش فون هایک (۱۸۹۹- ).....              |
| ۱۷۱ | جان راولز (۱۹۲۱).....                       |
| ۱۷۲ | لیوتار (۱۹۲۴).....                          |
| ۱۷۳ | گیلنر.....                                  |
| ۱۷۴ | محافظه کاری.....                            |
| ۱۷۵ | اکشات (۱۹۰۰-۱۹۹۱).....                      |
| ۱۷۶ | دموکراسی.....                               |
| ۱۷۷ | رمون آرون (۱۹۰۵-۱۹۸۳).....                  |
| ۱۷۸ | سیمون مارتین لیست (۱۹۲۲).....               |
| ۱۷۹ | منابع.....                                  |



## مقدمه

اندیشه های انسانی ، فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته و خود را به قله های آنچه خواسته رسانده است؛ اما با تمایز آشکار و برداشتن اندیشه دینی از این سیر تحول ، تنها به یک جهش فکری از حیوان به انسان می رسیم و بسنده می کنیم.

فکر این که نبوغ علمی و هنری و تحولات انگارانه مرفقی ، راهی برای شناخت اندیشمندان جهان هستی و آفریننده آن باشد ، جدا از این که بتوان یک فکر دینی قلمداد کرد ، که بسیار شبیه تر است به یک رهیافت علمی در اثبات سببی نظام هستی، و آفریننده قادر آن. این فکر شاید انگیزه گذر از بسیاری از چالش های مزمن پیشروی بشر باشد در جهش از انسان بودن به انسان ماندن.

من در این مقوله کوتاه نه در صدد آن هستم که اندیشه غرب و تحولات فکری منحت غرب را با دیدی منفی نگرانه و غلط انگارانه به بوته نقد بکشانم و نه در صدد ارائه راه کارهای ایده آل و نشان دادن

عیوب، به پا خواسته ام ؛ بلکه سعی در گردآورینسبتا کاملی از سیر تحولات فکری در غرب بوده واین که سیر تحولی افکار سیاسی در غرب نه در جهت اثبات حق و حقیقت که در صدد پوشش و مستور کردن حقانیت برآمده است. یعنی نه در جهت اثبات خدایی خدا که به طور مجموع در رد این اصل اساسی زندگی و جهان هستی بسیار روشنفکرانه و خلاقانه عمل کرده اند.

گاه با اصلاح دین به جنگ دین رفته ؛ گاهی دین را به دست سنت و کهنگی و بی عملی سپرده و با بی دینی به جنگ عقب ماندگی متاثر از دین شبه مذهب رفته اند؛ حال اگر چه اندیشه سیاسی و نقد سیاستمداران با نقد روشنفکری و عالم منشانه در جایی و نقطه طلاقی گنگی ، نامانوس تر می نمایاند ؛ اما شاید این گونه نگاه کردن به این موضوع و بررسی افکار سیاسی غرب ، نو بوده و کهنه نباشد.

در پایان از اساتید دوره کارشناسی : آقایان دکتر حقیقت، دکتر میر موسوی ، دکتر حسینی زاده ، دکتر شفیعی، دکتر فیرحی ، دکتر بشیریه ، همچنین از اساتید مقطع کارشناسی ارشد خود آقایان دکتر ملکوتیان، دکتر لک زایی ، دکتر مرتضویان ، دکتر بیگدلی ، دکتر طباطبایی و دکتر ملک محمدی ، دکتر قیصری. که صادقانه در راه اعتلا شاکردان خویش جان نثاری میکنند تشکرو قدر دانی می نمایم. از دوستان صمیمی و یاران همیشگی ام در حرم مطهر کریمه اهل بیت مخصوصا آقای عرب علی

حسینی زاده ، سید بزرگوار آقای حسینی مدیر محترم انتشارات قدس جهت تحمل هزینه ها وسایر مشکلات چاپ تالیفات این جانب صمیمانه قدر دانی می کنم. از دوستان هم اتاقی خود داوود غلامی وحسین نصیر باغبان هم به خاطر تحمل تمامی سختی هایی که در راه تالیف این اثر متحمل شده اند، و تشکر میکنم .

اردیبهشت ۱۳۸۵

مرتضی اشراقی

## پیشگفتار

اندیشه سیاسی: بخشی از تفکر و نوعی تفکر که حول مسئله قدرت سیاسی و فرمانروائی سیاسی شکل می گیرد و لذا از نوعی انسجام بر خوردار است که مبنی بر مبانی خاص معرفتی، هستی شناختی و روش شناختی می باشد.

انسان همواره در جستجوی علم است و میل به علم و آگاهی زائیده شرایط طبیعی انسان و شرایط اجتماعی اوست، بنابر شهادت تاریخ، انسان همواره در فکر بهتر کردن زندگی بوده است و این هدف نیازمند دو امر است

اول: درک محیط و انطباق انسان با آن: برای این هدف، صرف فهم و درک نظم ظاهری کفایت می کند.

دوم: تطبیق محیط با خود انسان: برای این هدف، صرف فهم و درک نظم ظاهری کفایت نمی کند بلکه علاوه بر آن اطلاع از چراها و

چگونگی ها ضرورت دارد و کار کرد دانش هم این را به ما نشان می دهد. همچنین در تاریخ علم و دانش، انسان های نخستین چگونگی و چرایی هستی و محیط را به شکل خاصی توضیح می دادند که از بُعد اسطوره مخیل می شود؛ در اسطوره هم به مجموعه ترکیب منظمی از عناصر که هدف آن توضیح چرایی جهان است.

در جوامع اولیه اسطوره ها بر دو پیش فرض استوار بودند.

اول : انسان شکل طبیعت، دوم: زنده بودن طبیعت، دلیل اصلی این دو مشخصه این است که طبیعت برای انسان نا آشنا بوده است و انسان با این دو مشخصه می توانست طبیعت نا آشنا را برای خود ملموس تر کند و چون امر نامأنوس را در قالب مأنوس توضیح می داد، لذا برای انسان ها رضایت بخش بود، در جوامع ابتدائی اسطوره کار کرد خاصی داشت، چون هنوز تخصص صورت نگرفته بود و به جز یک تقسیم بندی کار، تقسیم مالکیت خصوصی و اجتماعی نبود و جامعه به صورت همگون بود و اسطوره به کل جامعه، بگونه ای یکسان خدمت می کرد ولی بتدریج اسطوره ها تکامل می یابند و این در اثر این است که انسان تمایل به تسلط بر طبیعت و تصرف در اراده خدایان می کند و لذا عمل جادوگری پدید می آید و دو هدف پیدا می کند:

اول: وجود خدایان بی اثر.

**دوم:** مشکل تراشی برای دیگران، جادوگری یک تخصص می باشد و کسی که با کارکرد جادوگری رابطه بیشتری دارد به رئیس قبیله نزدیک تر است و پیشوای مذهبی می باشد.

در کنار این تحول انسان بتدریج پیشرفت می کند و از دوران شکار به کشاورزی می رسد و مالکیت و تصاحب پیش می آید که در نتیجه آن به مالکیت خصوصی و تقسیم کار روی می آورند. در نتیجه این تحولات جوامع اولیه با دیگر جوامع مرتبط می شوند و بصورت باز می گردند و با این تحولات جامعه به صورت ناهمگون می شود و پیامدهایی دارد از جمله:

(الف) ایجاد قشر بندی در جامعه

(ب) مطرح شدن مسایل دفاعی

(ج) مطرح شدن مسایل سیاسی

(د) ایجاد جامعه دو قطبی (حاکم و محکوم)

در کنار این پیشرفت و تحول، انسان به قانونمندی طبیعت پی می برد و تجربه عینی انسان اسطوره را نفی می کند. در این زمان اسطوره، یک کار ویژه جدیدی می یابد که آن ابزاری است که در دست قدرت حاکم می باشد و برای توجیه قدرت سیاسی و مالکیت خصوصی می باشد که به شکل ایدئولوژیک در می آید و اسطوره جدید سه ویژگی

دارد که ضعف انسان در مقابل طبیعت، اعتقادی بودن آن و دیگر آنکه حکومت را واسطه اراده خدایان تلقی می کند، بتدریج اسطوره ها اهمیت خود را از دست دادند، در شرق اسطوره با مذهب آمیخته شد و باعث ایجاد امپراطوری های خشن گردید، در یونان و مغرب زمین هم اگر چه اسطوره ها مطرح بودند و کنار گذاردن آن آسان نبود اما رویکرد عقلی به جهان مطرح شده بود؛ که ویژگی هایی همچون، عدم ضعف انسان در برابر طبیعت، معیار شناخت بر پایه عقل و امید سلطه بر طبیعت نیز وجود پیدا کرد، به تدریج این اسطوره های سیاسی تبدیل به اندیشه سیاسی شد که در آن عقل مطرح شده و سؤالاتی از این قبیل اهمیت پیدا می کند:

- ۱- اساساً چرا بین حاکم و محکوم تمایز وجود دارد ؟
- ۲- چه چیز هایی سبب می شود که فرمانروایی مشروعیت یابد و دیگران ملزم به اطاعت شوند ؟
- ۳- چرا حکام ابزار اجرا را بصورت انحصاری در اختیار دارند ؟
- ۴- چگونه حاکمیت پدید می آید؟ معنای آن چیست و غایت و هدف فرمانروایی سیاسی چیست و چه حدود و قلمروئی در آن وجود دارد ؟
- ۵- اشکال حکومت چگونه است، آرمانی است یا اشکال دیگری هم هست ؟

عقل در مواجهه با این سؤالات به پاسخ نهائی دست نمی یابد ؛ عقل در پاسخ به این سؤالات اندیشه سیاسی را شکل می دهد که در ارتباط متقابل با دو چیز بود : شرایط عمومی تفکر و نهادهای، اندیشه سیاسی هم با شرایط عمومی ارتباط دارد و هم با نهادهای زمانه مرتبط می شد و این سبقه تاریخی به اندیشه می دهد و در این جا بحث تاریخ اندیشه سیاسی اهمیت می یابد.

اندیشه سیاسی در غرب از زمانی شروع می شود که دولت - شهر ها در یونان پدید می آید و در مرحله بعدی، این دولت شهر ها متلاشی شده و امپراطوری روم بر سر کار می آید، بعد از ظهور مسیح، ارتباط محکمی میان مسیحیت و امپراطوری ایجاد شده و تا ابتدای قرن ۱۶ م ادامه می یابد که رنسانس شکل می گیرد، و تا پایان قرن ۱۸ م، تفکر اندیشمندان جدید شکل می گیرد، ملت دولت ها جایگزین آن می شوند که تا سال ۱۸۴۸ ادامه می یابند، بعد از این تحولات، انقلابات شکل می گیرند که بحث های اصلی مثل سوسیالیسم، لیبرال دموکراسی و... مطرح می شود و بتدریج یکسری ایدئولوژی سیاسی مطرح می شود که به خارج از غرب هم سرایت می کند و باعث ستیز جهان با غرب می شود و از سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۱۴ شرایط متحول شده و انقلاب روسیه شکل می گیرد و در نهایت در قرن ۲۰ بین آراء و اقوال سیاسی تضاد زیادی وجود دارد و از هر کدام از این مکاتب، خرده مکتب های جدیدی ایجاد گردید .